



**صحبت پایانی:**

ما هنرمندان زیاد دیگری را هم داریم که در شرایط هنرمند محبوب کیومرث پوراحمد هستند. آنها را تأدیر نشده در یابیم

سیروس سپهری:

متحد باشیم یا متفرق! انتخاب کنید

**در مورد نقش ادريس در سریال نون خ حرف بزنید؟**

با توجه به سیاست های صدا و سیما و تبلیغ و تشویق خانواده ها به فرزندآوری، در این سری از مجموعه قصه بر روی ادريس متمرکز شد و چالش هایی که این کاراکتر با ۱۴ فرزند خود دارد را نمایش داد. به همین دلیل این نقش با اعتمادی که سعید آقاخانی به بنده داشتند توسط نویسنده نگاشته شد.

**بازیگری برای سیروس سپهری از چه زمانی استارت خورده است؟**

من از سن ۱۴ سالگی در سال ۱۳۵۷ کار تئاتر را شروع کردم و تا حال حاضر حدود ۴۰ سال است در این فضا کار می کنم، البته فعالیت های محدود به بازیگری نبوده است، در کرمانشاه، در حوزه مجری گری، کارگردانی و ... نیز فعالیت داشته ام. تا اینکه از سال ۱۳۸۲ که به تهران آمدم دوباره برایم همه چیز از نو آغاز شد و کارم را از تئاتر و تئاتر کودک و بزرگسال مجدداً از صفر آغاز کردم. تا اینکه پس از مدتی با گروه های حرفه ای تر در تهران شروع کردم. این پروسه طی کردن مسیر برای من بسیار سخت گذشت خصوصاً اینکه یک بار در کرمانشاه و یک بار در تهران باید خود را نشان می دادم.

**بیشترین نقش در مسیر حرفه ای شدن شما کدام بوده است؟**

بیشترین سریالی که توانست بهترین بازخوردها را برای من رقم بزند بازی در سریال نون خ بوده است، کما اینکه قبل از این سریال در مجموعه های زیاد و تله فیلم های متعددی بازی کرده بودم اما خیلی شناخته شده نبودم اما پس از نون خ شاهد بیشترین ارتباط گیری مردم با نقش خود (ادريس) بودم. و حدوداً ۹۹ درصد مردم کوچه بازار با این سریال و بازیگرانش آشنا هستند.

**این سریال چه ویژگی برجسته ای داشته که برای مخاطب جذاب است؟**

نون خ با دوربینی صمیمی به دل مردم یک روستا رفته است، تا از میان چالش هایی که این مردم با یکدیگر و با محیط خود دارند مفاهیم گسترده تری از رابطه انسان و محیط را به تصویر بکشد. از ویژگی های برجسته این سریال نشان دادن مفاهیم عمیق انسانی در موقعیت های طنز است. نون خ با پرسش هایی اینچنینی که مثلاً مردم در شرایط سخت چگونه باید در کنار هم باشند؟ به سراغ مفاهیم بشری می رود. همین طور این سریال تقابل هایی از انسان در محیط را نشان می دهد که واکنش روستائیان در برابر زلزله، و یا پیدا کردن معدن گنج و حمله گرگ ها را به گله نمایش می دهد. نون خ آموزشی از یک سبک زندگی است که در آن می شود هم متحد بود و هم متفرق! و این انتخاب ماست که باعث می شود مسیرهای دیگر برای ما فراخ باشد یا بسته.

کاظم نوربخش:

سلمان را زندگی کردم

**نقش سلمان بسیار سریع جای خود را در دل مخاطب باز کرده است، قبول دارید؟**

سلمان در دل من هم جا خوش کرده است. من این نقش را بازی نمی کنم من سلمان را زندگی می کنم.

**در سری چهارم نون خ برای سلمان چه اتفاقی افتاده است؟**

گرگ به گاو او حمله کرده و گاو خود را از دست داده است، همچنان طبق روال گذشته همچنان خواستگار شیرین است و آقا نوری او را به دامادی نمی پذیرد اما نپذیرفتن آقا نوری تأثیری روی رفتار سلمان ندارد و او همچنان به خواستگاری اش می رود.

**همکاری با گروه نون خ در مدت طولانی که با ساخت سری های جدید این مجموعه همراه شد برای تان چطور بود؟**

ما دیگر یک خانواده بزرگ و صمیمی شده ایم، نون خ متعلق به این خانواده است و جایی است که تک تک اعضای این گروه در آن بزرگ شده و قد کشیدند.

**بازی در این سریال باعث چه تحولی در هنر حرفه ای و بازیگری شما شده است؟**

من از بازیگری هر چه که دارم از نون خ است. از سال ۱۳۶۷ مشغول فعالیت های هنری، بازیگری و ... بوده ام اما کسی مرا نمی شناخت و در حال حاضر اگر محبوبیت ملی نزد مردم کشورم دارم مرهون بازی در این سریال و خود نقش دوست داشتنی سلمان است.

**صحبت پایانی:**

سعید آقاخانی کارگردان فوق العاده ای است. از مهدی فرجی بسیار متشکرم، برای همه چیز من جمله انتخاب بنده برای نقش سلمان. قطعاً همکاری بنده با این گروه حرفه ای برایم تجربه ای به یادماندنی و ارزشمند است از همه برای بودن شان ممنونم و خوشحالم که عضوی از اعضای خانواده نون خ هستم.

برای من که خاطره هایی از سریال قصه های مجید بخشی از وجودم شده است. کیومرث فراموش شدنی نیست، و امیدوارم این اتفاق تلنگری برای تصمیم گیرندگان هنری و فرهنگی کشور ما باشد. در حال حاضر سینمایی ها برای آنکه دور هم جمع شوند و از حال هم با خبر شوند جایی ندارند، سابقاً در «خانه سینما» دوستان سینمایی همدیگر را می دیدند و از حال هم با خبر می شدند، کمک حال روحی و روانی هم بودند. در آن دوران هنرمندها تنها نبودند همواره خود را در یک جمع دوستانه می یافتند که در آن درک می شده و خلاصه دلخوشی هم بودند. اما متأسفانه در شرایط حاضر ما همکاران خود را نمی بینیم و خبری از حال آنها نداریم. در یک وضعیت پراکندگی و بی خبری از هم به سر می بریم. هر کدام از دوستان هنری خود را در جایی حبس کرده و به اضطراب دور هم جمع می شویم و همین تنهایی هاست که روزی ما را از پا در می آورد و نابود می کند. باید فکری به حال هنرمندان تنها که گاهی مدت های زیادی هم بیکار می مانند، کرد.

زندگی ام را تغییر دهم تا اینکه تب جوکر مقداری در جامعه فروکش کرد و من به سبک زندگی گذشته ام ادامه دادم. البته هنوز هم تأثیرات این برنامه را در زندگی ام احساس می کنم. به هر حال جوکر کاری بود نو که مردم آن را بسیار دوست داشتند من هم خیلی خوشحالم که در قلاب جوکر با مردم در این حس خوب شریک شدم. آنچه که برای من در برنامه جوکر جالب بود این است که این مجموعه را همه می دیدند از فیلمسازان بزرگ ایران گرفته تا عامه مردم.

**شرایطی را که امروز بر جامعه هنری ما مسلط شده، خبرهای ناگواری که از نزدیک و دور به ما می رسد را چگونه می بینید؟**

با مرگ پوراحمد دل همه ما سوخت. من مرگ کیومرث را به این شکل که در جامعه انتشار پیدا کرده باور نمی کنم. با ذهنیتی که بنده از ایشان دارم با آن همه لطافت و فکر زیبا که دنیا را کاملاً رنگی می دید اصلاً برایم قابل قبول نیست که این پایان را برای خودش رقم زده باشد. حتماً چیزی بوده که ما از دلیل و وقوع آن بی اطلاع هستیم.